

تأثیر ثبات هژمونیک جمهوری اسلامی ایران بر امنیت مرزهای شرقی

علیرضا نظریان

دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود ایران

مسعود مطلبی^۱

استادیار علوم سیاسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزاد شهر، ایران

محمد نبی سلیم

استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۰۸

چکیده

مؤلفه‌های قدرت شامل جمعیت، قدرت نظامی، موقعیت جغرافیایی، برتری اقتصادی، داشتن فناوری‌های برتر و حتی داشتن اطلاعات می‌باشند که به طور خلاصه می‌توان در ۴ دسته ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوپولیتیک و ژئوکالچر خلاصه کرد. ایران به عنوان کشوری که دارای بیشتر مؤلفه‌های یاد شده بعلاوه ایدئولوژی شیعی اسلامی است، خود را به عنوان کشوری قدرتمند در منطقه خاورمیانه معرفی کرده که خواهان سهمی از توازن قدرت در جغرافیای سیاسی منطقه است. به دست آوردن این جایگاه ابعاد مختلف حیات کشورمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف اصلی این مقاله تبیین و شناخت تأثیر قدرت هژمونیک جمهوری اسلامی ایران بر امنیت کشور و به‌ویژه در مرزهای شرقی است. سؤال اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های هژمونیک جمهوری اسلامی ایران یعنی ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر چه تأثیری بر امنیت مرزهای شرقی داشته است. برای پاسخگویی به این سؤال فرضیه‌ای را که در صدد بررسی آن هستیم این است که جایگاه هژمونیک جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیم و مثبت بر امنیت مرزهای شرقی دارد. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که ایران با داشتن منابع محسوس مانند موقعیت جغرافیایی، جمعیت، قدرت نظامی، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی و عوامل نامحسوس مانند وحدت ملی، قدرت فرهنگی به اضافه رهبری ولایت فقیه و ایدئولوژی اسلامی، شیعی واجد قدرت هژمون (قدرت مسلط برتر) منطقه‌ای است که این موقعیت دارای تأثیرات مثبتی در ابعاد الف- فرهنگی - اجتماعی ب- اقتصادی و سیاسی ج- امنیتی، انتظامی و د- هیدروپولیتیک و مسائل زیست محیطی است. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی تحلیلی است. منبع گردآوری اطلاعات منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی است.

واژگان کلیدی: ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، هیدروپولیتیک.

مقدمه

بشر متمدن از پیدایش امپراتوری‌های جهان گرا، با نظام قدرت مسلط برتر یا هژمونیک^۱، سرو کار پیدا داشته است. نظامی که همانند دیگر پدیده‌های محیط انسان، پیوسته در حال دگرگونی و تکامل یافتن بوده و هست. هخامنشیان نخستین نظام سیاسی فدرایتو و جهان گرا را آفریدند، در جناح باختری خود با قدرت برجسته‌ای در مجموعه‌ای از سرزمین‌های یونانی رویارویی پیدا کردند و فشار سیاسی متقابل میان این دو ابرقدرت باستانی نخستین نظام قدرت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جهانی را، به مفهومی که امروز مورد توجه است بنیاد نهادند. نظامی که میان دو ابرقدرت زمانه توازن یافته بود. پیدایش امپراتوری پارت در ایران و رومیان در اروپا، نظام دو قطبی تازه‌ای را در جهان دوران پیدایش مسیحیت تجدید کرد. حمله رومیان به مصر از یک سو و گسترش نفوذ ایرانیان در سرزمین‌های مرکزی و خاوری آسیا از سوی دیگر، بخش‌های پهناوری از جهان متمدن را درگیر این نظام هژمونی ساخت. پویایی این قدرت جهانی در دوران ساسانی اوج تازه‌ای گرفت و نبردهای مداوم میان ایران و روم و دست به دست شدن سرزمین‌های پهناوری در باختر آسیا و خاور اروپا سرانجام نماد سرزمینی موازنه قدرت میان دو امپراتوری را در سرزمین‌های مدیترانه و بین‌النهرین متمرکز ساخت.

تلاش امپراتوری حبشه برای گسترش نفوذ در آفریقا و شبه‌جزیره عرب از سوی دیگر، آن امپراتوری را با دو ابر قدرت رومی و ایرانی رو در رو نمود و این زورآزمایی موازنه قدرت تازه‌ای را در شمال آفریقا و شبه‌جزیره عرب سبب شد که گسترش قلمرو حکومت اسلامی هژمونیک و ژئوپلیتیک جهانی را به طور کلی دگرگون ساخت، خلافت عربی، ابر قدرت تازه‌ای را پدیدار ساخت. قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی شاهد ظهور قدرت‌های مستعمراتی هلند، پرتغال، اسپانیا، فرانسه و بریتانیا در اروپای باختری و گسترش هژمونیک مستعمراتی در جهان بود. این دگرگونی با پیدایش دوباره قدرتی ایرانی در چارچوب فدرایتو صفوی هم‌زمان بود. در همسایگی صفویان و در رقابت با آنان، ابرقدرت عثمانی که میراث قدرت خلافت عباسی بود سر برآورد. در همسایگی این دو ابرقدرت اسلامی، امپراتوری پرتوان روسیه ظهور کرد و از قرن ۱۸ میلادی رقابت‌های گسترده روسی - انگلیسی در سطح جهان به افول قدرت‌های دیگر انجامید. گسترش اندیشه‌های امپریالیستی در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی روس و انگلیس را با رقابت تازه‌ای مانند فرانسه، ایتالیا، اتریش، پروس - آلمان سرگرم ساخت. رقابت‌های اروپایی و دوران صلح مسلح در پایان قرن ۱۹ میلادی و سرآغاز قرن ۲۰ میلادی پدیده دو جنگ جهانی به ابرقدرت نوین آمریکایی شکل داد. جهان سیاسی کنون شاهد آن است که مؤلفه‌های قدرت نظام جهانی به ژئواکونومیک تحول پیدا کرده و مراکز قدرت چند گانه‌ای در جهان سربرآورده‌اند. در این میان سرزمین ایران یک تکه حساس جغرافیایی و طبیعی و برخوردار از منابع غنی انرژی مانند نفت و گاز است، اگر قدرت منطقه‌ای ایران را به عوامل محسوس مانند انرژی نفت و گاز، موقعیت برتر ژئوپلیتیکی، پل ارتباطی شرق و اورآسیا، موقعیت ارزشمند خلیج فارس و دریای خزر و غیره و عوامل نامحسوس مانند وحدت ملی، ایدئولوژی اسلامی شیعی، قدرت بسیج عمومی رهبری ولایت فقیه، ارزش‌های باستانی و اسلامی و غیره تقسیم کنیم در خواهیم یافت که این عوامل آشکارا تاکنون بازتاب خود را در مسائل

^۱ - Hegemonic

سیاسی داخلی و روابط خارجی کشور و منطقه و استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ و به ویژه ایالات متحده آمریکا برجای نهاده است. امروزه قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، ضمن دخالت مستقیم و غیرمستقیم در سرنوشت کشورهای منطقه در پی رسیدن به اهداف استکباری خود هستند، تجاوز به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی، عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، مسئله سوریه و فلسطین اشغالی و عدم توجه به اجماع جهانی در مورد موضوع هسته‌ای ایران، ما را بر آن می‌دارد که به ارتقاء سطح دفاع بازدارندگی خود و امنیت همه جانبه بیندیشیم، امنیت در واقع بستر بالندگی جوامع بشری است و نیاز به امنیت در سلسله مراتب نیازها و انگیزه‌ها قرار دارد.

از آنجا که پاسداری از اصول و ارزش‌ها و تأمین اهداف و منافع هر ملتی ناگزیر در وجود محیطی امن صورت می‌گیرد، واحدهای سیاسی و کشورهای جهان به امنیت ملی که وجود مرزهای امن جغرافیایی و سیاسی لازمه آن است را در صدر اولویت‌های خود قرار داده‌اند. از این‌رو شناخت هوشمندانه و واقع بینانه فرصت‌ها و چالش‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران با همسایگان و به‌ویژه مرزهای شرقی (افغانستان و پاکستان) ضروری جلوه می‌نماید.

ژئوپلیتیک سرزمینی، ایران را در بین ۲۷ کشور غرب آسیا، ۳۷ کشور خاورمیانه و ۶۷ کشور جهان اسلام برجسته نموده و جایگاه خود را به رخ کشورهای منطقه کشانده است. پیرامون ج. ا. ا، بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که ۴۱۱۳ کیلومتر مرز خشکی و ۱۹۱۸ کیلومتر آن را مرز رودخانه‌ای، دریاچه و باتلاق شکل می‌دهد و ۲۷۰۰ کیلومتر طول کرانه‌های ایران در شمال (دریای مازندران) و در جنوب (خلیج فارس و دریای عمان) است. در شرق ایران که موضوع این پژوهش است، ایران از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک سیاه ۹۴۵ کیلومتر با افغانستان و از کوه ملک سیاه تا دهانه خلیج گواتر ۹۷۸ کیلومتر با کشور پاکستان مرز مشترک دارد. مرزهای شرقی ایران به دلایل ژئوپلیتیکی، نگاهی ملی و حتی بین‌المللی می‌طلبد؛ در دو کشور همسایه شرقی، شاهد ترکیبی از تروریسم، جنگ، ناامنی و رادیکالیسم هستیم که اثرات مستقیم و غیرمستقیم خود را بر مرزهای شرقی ظاهر نموده است. با پیوند خوردن جریان قاچاق مواد مخدر به مافیای بین‌المللی این فرایند وارد مراحل تازه و پیچیده‌ای شده است. بر این اساس این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که ثبات هژمونیک ج. ا. ا چه تأثیری بر امنیت مرزهای شرقی آن داشته است؟ ثبات هژمونیک ج. ا. ا متغیر مستقل و امنیت مرزهای شرقی، متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. روش مورد استفاده این مقاله توصیفی تحلیلی است که در آن تلاش خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین فرضیه پژوهش پرداخته شود.

چارچوب نظری

گروهی از نظریه‌پردازان علم سیاست، امنیت ملی را با توانایی و قدرت ملی یک کشور برابر دانسته‌اند. در این برداشت جامعه بین‌المللی به صورت صحنه‌ای از رقابت و نزاع ترسیم شده است که بازیگران اصلی آن دولت‌های مستقل می‌باشند. عدم وجود یک مرجع فوق ملی، تعارض منافع و رقابت دائمی برای تأمین منافع از اصول مسلم و پذیرفته شده در بازی بازیگران این صحنه محسوب می‌گردد. تعارض رقابت و منافع دائمی برای کسب و حفظ منافع شرایطی فراهم می‌آورد که هر بازیگر در پی آن است که با حذف رقبا منافع خود را به طور کامل تأمین نماید. فقدان یک مرجع برای داوری و حل اختلاف بازیگران ایجاب می‌کند که هریک از واحدهای ملی مجبور به دفاع از

منافعشان در مقابل رقبا باشد. در نتیجه هر بازیگر کسب قدرت را برای دفاع از خود شرط اولیه بقاء می‌شمارد. از نقطه نظر این دیدگاه ملت‌ها تنها با دستیابی به قدرت و تصور اینکه توان لازم برای دفاع از خود را در مقابل تهدید رقبا دارید، احساس امنیت می‌کنند. در این دیدگاه رابطه مفروض میان امنیت و قدرت رابطه‌ی همیشگی و مستقیم است؛ هرچه بر میزان قدرت یک کشور افزوده شود امنیت آن نیز افزایش می‌یابد و ضریب اطمینان نسبت به وجود امنیت ملی بالا می‌رود، تئوری‌های همچون، موازنه قدرت بازدارندگی و امنیت دسته‌جمعی برای دستیابی به صلح و امنیت بازتاب برداشت‌های رئالیستی از جامعه بین‌الملل محسوب می‌شوند (Ezzati, 1992: 146).

در مقابل برداشت رئالیستی از امنیت ملی، برداشت ایدئالی است قرار دارد که امنیت ملی را نه توانایی یک ملت، بلکه عدم تهدید و وجود تأمین تعریف می‌کند، این دیدگاه برخلاف برداشت رئالیستی، دیدگاه بدبینانه‌ای نسبت به جامعه بین‌المللی ندارد بلکه با خوش‌بینی به توصیف آن می‌پردازد. طبق این دیدگاه روابط افراد جامعه بر اساس تضاد بر سر منافع بلکه بر اساس همکاری برای تحقق جامعه ایدئال مورد نظر همه متکی بر ارزش‌های اخلاقی، شکل می‌گیرد به نظر محققان این دیدگاه، امنیت برای یک ملت که خود بخشی از جامعه بزرگ بشری است در وضعیتی قابل تصور است که جامعه جهانی تحقق یابد، ایده‌آلیست‌ها معتقدند گرچه چنین جامعه‌ای تحقق نیافته ولی بالقوه وجود دارد و تحقیق آن امکان‌پذیر است. با تحقق آن مرزهای اعتباری که ملت‌ها را از یکدیگر جدا می‌کند و خود عاملی برای رقابت آن‌هاست از میان می‌رود، نظام دولت ملی جای خود را به مجموعه واحد جامعه جهانی می‌سپارد و در واقع یک دولت جهانی جانشین دولت‌های متعدد می‌شود. ایجاد یک مرجع مقتدر بین‌المللی و تشکیل دولت واحد جهانی با ایجاد یک نظام فدرال جهانی و تدوین یک قانون اساسی جهانی راه‌هایی است که ایدئالیست‌ها برای عملی شدن نظریه‌های خود پیشنهاد می‌کنند. نظریاتی چون فدرالیسم و خلع سلاح جهانی بازتاب چنین برداشت‌هایی است (Ibid., 148). برداشت‌های انترناسیونالیستی از امنیت ملی نیز که به عنوان نهادگرایی بین‌المللی نیز شناخته می‌شود، حد واسط دو نظریه قبل است. طبق این نظریه روابط دولت‌ها نه منحصراً رقابت‌آمیز است چنانچه رئالیست می‌گویند و نه مبتنی بر همکاری است چنانچه ایدئالیست‌ها معتقدند، دولت‌ها گرچه منافع متعارفی دارند و این امر موجب رقابت آن‌ها می‌شود؛ اما منافع مشترک نیز دارند که آن‌ها را مجبور به همکاری با یکدیگر می‌کند. از این‌رو، روابط دولت‌ها تلفیقی از رقابت و همکاری است، گسترش همکاری‌ها از طریق نهادهای بین‌المللی سبب کاهش قابلیت‌ها می‌شود و تهدیدهای امنیتی از بین می‌رود بر طبق این دیدگاه این فرضیه که دولت‌ها در رقابت دائم با یکدیگر به سر می‌برند بی‌معنی شده است و دولت‌ها اگر نه به عنوان رقیب بلکه به عنوان آشکاری که برای دستیابی به امنیت و رفاه بیشتر همکاری آن‌ها با یکدیگر ضروری است به هم می‌نگرند. طبق این برداشت افزایش امنیت یک ملت، افزایش امنیت دیگری و بالعکس کاهش امنیت یکی، کاهش امنیت دیگری را به دنبال خواهد داشت و تنها همکاری دولت‌ها می‌تواند تأمین‌کننده امنیت آن‌ها باشد (Ibid., 152).

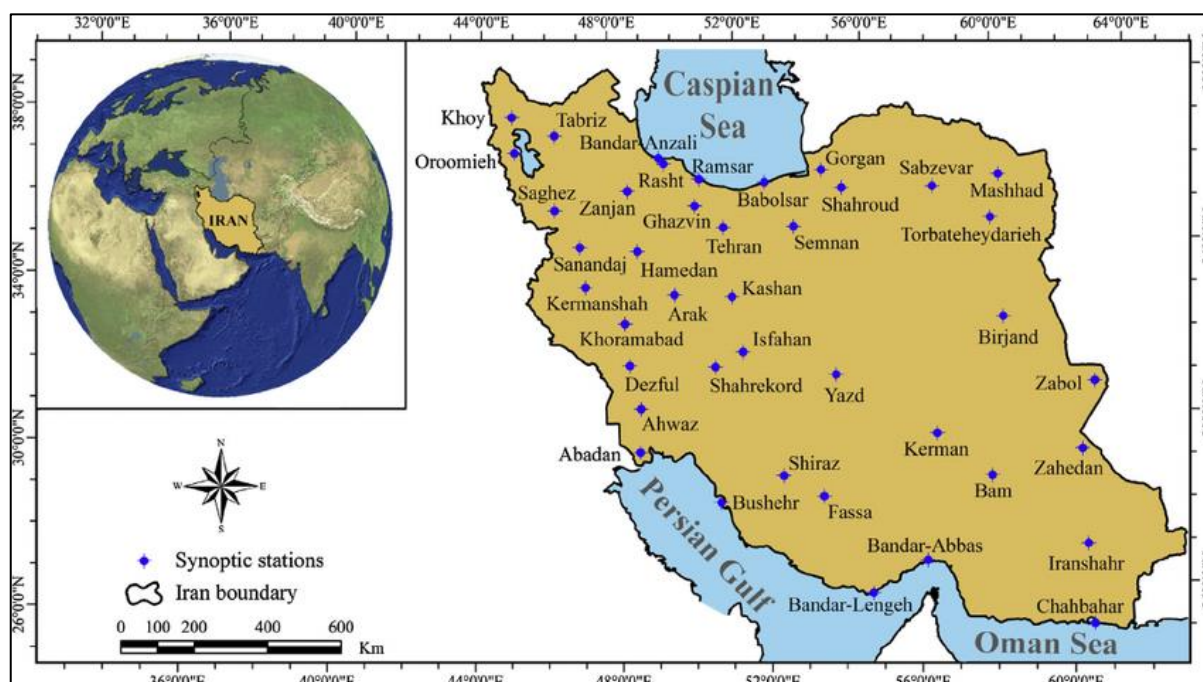
چارلز کیندل برگر نیز اولین بار در سال ۱۹۷۳ م نظریه ثبات هژمونیک را در کتابی با عنوان جهان در رکود مطرح کرد. وی مدعی شد که در نظام بین‌الملل که بازیگران در صدد تأمین منافع کوتاه مدت خود هستند بر خلاف نظام رقابتی مد نظر آدام اسمیت، تلاش بازیگران به خودی خود باعث ارتقاء رفاه و منافع اقتصادی آن‌ها نمی‌شود؛ به عبارت دیگر کشورها در تعقیب منافع اقتصادی خود ممکن است از طریق اعمال سیاست‌های حمایت‌گرایانه به

بازیگران دیگر زیان برسانند. این قبیل سیاست‌ها می‌تواند به یک سلسله اقدامات تلافی جویانه به سایر بازیگران زیان برساند و در نهایت ثبات اقتصادی جهانی را به خطر اندازد. به این ترتیب کیندل برگر مدعی شد که نظامی جهانی ممکن است به خودی خودی به سوی توازن حرکت نکند، در چنین شرایطی نظام بین‌الملل نیاز به نوعی رهبری دارد تا ثبات اقتصاد جهانی را تضمین کند.

باری بوزان نیز در سال ۱۹۸۳ در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس مسئله امنیت ملی را در روابط بین‌الملل مورد مطالعه و تبیین قرار داده است. مکتب کپنهاگ تأکید خاصی بر جنبه‌های اجتماعی امنیت دارد. به باور باری بوزان امنیت یعنی رهایی از تهدید، به عبارت دیگر امنیت در نبود تهدید معنا پیدا می‌کند. امنیت یک مسئله بین‌الذنهانی است و به چگونگی فهمیدن شرایط کنونی توسط کنشگر مربوط می‌شود. امنیتی ساختن، عملی اجتماعی است که به هویت فرد یا دولت ارتباط دارد. تز اصلی باری بوزان امنیت منطقه‌ای است. سیستم بین‌المللی تابعی از شیوه قدرت در سطح منطقه‌ای است و این مناطق هستند که منظومه قدرت را تشکیل می‌دهند. وی معتقد است که دولت دیگر تنها مرجع امنیت نیست، بلکه افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی و فراملی، رسانه و تروریسم، همگی از وجوه امنیت هستند. در خصوص چند بعدی بودن امنیت، او بر این باور است که بایستی تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن و از همه مهم‌تر مذهب را بر امنیت فهمید. این مکتب، مطالعات امنیتی را که از ویژگی‌های دوران جنگ سرد است از حوزه مطالعات راهبردی این دوران جدا کرده و آن را در ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را در ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است. این موضوع، تلاش بوزان و همکارانش را به خارج نمودن مسائل امنیتی از دام تنگ نظامی نشان می‌دهد. مکتب کپنهاگ در مباحث هستی‌شناسی خود نگاهی تاریخی به پدیده‌های اجتماعی دارد (Ebrahimi, 1989: 439).

جایگاه ژئوپولیتیک ایران

ساده‌ترین تعریفی که جغرافی‌دانان از جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک کرده‌اند این است که جغرافیای سیاسی اثر تصمیم‌گیری‌های سیاسی انسان را روی چهره و اشکال جغرافیایی مربوط به محیط انسانی، همچون حکومت، مرز، مهاجرت، ارتباطات، توزیع، نقل و انتقال و غیره را مطالعه می‌کند، در حالی که ژئوپولیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون شونده جهانی می‌پردازد. در ژئوپولیتیک، مباحثی که مربوط به مسائل استراتژیک و دفاعی فرا کشوری می‌شوند، مانند پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، در چارچوب نقش‌آفرینی‌های ژئواستراتژیک مورد بررسی قرار می‌گیرند. در سیاست جغرافیایی یا ژئوپولیتیک، نقش عوامل محیط جغرافیایی بر روابط کشورها در نظر گرفته می‌شود. بدون تردید یکی از متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی سیاست خارجی و همچنین مباحث استراتژیک و سیاست دفاعی هر کشور، محیط منطقه‌ای و ابعاد مختلف آن است. امروزه نقش هر کشور در سیاست جهانی تحت تأثیر عوامل ژئوپولیتیکی آن است. به گونه‌ای که از دیدگاه جغرافیادانان سیاسی، قدرت هر کشور به شدت از ژئوپولیتیک و موقعیت جغرافیایی آن تأثیر می‌پذیرد.



نقشه شماره ۱- جایگاه ژئوپلیتیک ایران

Source: (<https://www.mapsofworld.com>)

ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی آن، وضعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی را داراست. این موقعیت، ایران را تبدیل به کشوری بین‌المللی کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته‌ای به آن می‌دهد. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران با انزوای سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند (Khalili, 2011: 89-90). موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی، مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، ایران که یکی از متحدین آمریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد. جمهوری اسلامی ایران از سه بعد «ژئوپلیتیک»، «انرژی» و «فرهنگی - ایدئولوژیک» ظرفیت و توانایی تأثیرگذاری بر نظام بین‌المللی را دارد. افزون بر آن، ایران، خود زمانی تشکیل دهنده‌ی نظم بین‌المللی بوده است. از نظر ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌های مهمی چون روسیه و حوزه نفوذ آمریکا (جنوب خلیج فارس) قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. از نظر اقتصادی شاهراه‌های بزرگ تجاری جهان در دریا و خشکی یا از ایران یا از نزدیکی ایران می‌گذرند و بر این اساس، ایران با پانزده کشور همسایه دارای مرز آبی و خاکی است، ضمن این‌که با برخورداری از بخش قابل توجهی از انرژی جهان، داشتن تسلط ژئوپلیتیکی بر بیش از نیمی از ذخایر انرژی دنیا در منطقه‌ی خلیج فارس جایگاه مهم در میان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) و نهایتاً، نقش بالقوه ایران در تأمین امنیت اقتصادی و انرژی به عنوان سوخت در جهان برجستگی خاصی دارد. به دلیل اهمیت و حساسیت این موقعیت ژئوپلیتیکی است که قدرت‌های بزرگ، مانع تقویت و نقش آفرینی یک ایران ناهماهنگ با نظام بین‌المللی می‌باشند (Izadi, 2011: 47-48).

نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را نادیده نگرفته‌اند و نقش بی‌نظیر این کشور را در تأثیرگذاری بر مسائل مختلف جهانی مطرح کرده‌اند. مکیندر^۱، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند^۲ یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه‌ی قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت ببری (زمینی) روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن^۳، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت ببری (زمینی) و بحری قرار گرفته است. کوهن^۴، هر چند در نظریه‌ی سیستمی خود از ایران به عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند ولی در نظریه‌ی ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه‌ی خرد شده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتن^۵، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه-ی تحرک و پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. برژینسکی نیز با توجه دادن دولتمردان امریکا به واقعیت‌های ایران، راه‌کارهای منطقی را به آن‌ها پیشنهاد می‌دهد. از نظر اریک ریتز^۶، ایران به عنوان یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند (Ahmadi, 2005: 295).

جایگاه ژئواستراتژیک ایران

سرزمین ایران از یک سو یک تکه حساس جغرافیایی بر روی نقشه جهان و از دیگر سو دارای ویژگی‌های خاص جغرافیایی و طبیعی و برخوردار از منابع غنی انرژی مانند نفت و گاز است. این عوامل آشکارا تاکنون بازتاب خود را در مسائل سیاسی داخلی و روابط خارجی کشور و استراتژی‌های قدرت‌های بزرگ بر جای نهاده است. همچنین کشور ایران از عناصر گوناگون مثبت و منفی جغرافیایی تأثیرگذار بر قدرت و مسائل سیاسی داخلی، روابط خارجی کشور و استراتژی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برخوردار است.

در دسته عناصر مثبت می‌توان از برخورداری از علت وجودی تاریخی، موقعیت استراتژیک و مرکزی، اثرات دفاعی کوه‌ها، حضور در سراسر شمال خلیج فارس و تنگه هرمز، منابع غنی معدنی به ویژه منابع نفت و گاز، واقع بودن پایتخت در مرکز هسته سیاسی و غیره و در دسته عناصر منفی یا تا حدودی منفی می‌توان از تعداد زیاد همسایگان، شکل مایل به طولانی، برخی مشکلات و مسائل مرزی، عدم وجود پایتخت در مرکز جغرافیایی کشور، نقش منفی کوه‌ها بر عبور آزاد ابرها و ایجاد راه‌های ارتباطی و غیره نام برد. در عین حال، موقعیت استراتژیک و منابع غنی نفت و گاز از مهم‌ترین عناصر جغرافیای سیاسی ایران هستند و این امر تاکنون بازتاب خود را بر استراتژی‌های منطقه‌ای و جهانی قدرت‌های بزرگ به جا نهاده است (Mir Heidar, 2002: 87).

¹ -Macindre

² -Heart Land

³ -Spikman

⁴ -Cohen

⁵ - Huntington

⁶ - Eric Ritter



نقشه شماره ۲- جایگاه ژئواستراتژیک ایران

Source: (<https://www.pinterest.com>)

در تعریف موقعیت مرکزی گفته‌اند که موقعیتی است که مزایای قاطع نظامی، سیاسی یا اقتصادی به دارنده آن در مقابل رقبا یا دشمنانش اعطا می‌کند (Taylor, 1998: 33). کشور ایران به دلایل مختلف دارای موقعیت و اهمیت استراتژیک است: ۱- دارای بودن معادن غنی نفت و گاز و فلزات مهم - ایران پس از فدراسیون روسیه که حدود ۳۰٪ ذخایر شناخته شده گاز جهانی را دارد، با حدود ۱۵٪ ذخایر جهانی گاز مقام دوم را داراست. به گونه‌ای که در صورت گسترش تولید و صادرات گاز، این دو کشور قادر خواهند بود در تعیین قیمت جهانی گاز نقش قاطع داشته باشند. ایران همچنین حدود ۱۰٪ از ذخایر نفت خام جهان را در اختیار دارد. ۲- قرار گرفتن در سراسر شمال خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و در اختیار داشتن حدود ۳۱ جزیره در دهانه تنگه و داخل خلیج فارس و نظارت بر عبور و مرور کشتی‌ها در داخل تنگه و خلیج فارس. ۳- با توجه به اینکه هر موقعیت مرکزی موقعیت استراتژیک نیز هست (و البته عکس آن درست نیست)، (Taylor, 1998: 37). قرار داشتن ایران بین کشورهای شمالی و منطقه خلیج فارس و بین قاره‌های آسیا و اروپا و اینکه ایران مسیری کوتاه و امن برای ارتباط دادن بین این مناطق است، نیز بازگوکننده موقعیت استراتژیک این کشور است.

جایگاه ژئواکونومیک ایران

جمهوری اسلامی ایران جزء ۲۰ اقتصاد برتر دنیاست، ایران با ۱۱ هزار میلیارد دلار بدهی خارجی، کمترین بدهی را در بین کشورهای منطقه دارد، این یعنی صفر. منطقه ما از ثروت و پتانسیل‌های بالایی برخوردار است. با توجه به مجموعه منابع طبیعی ایران و حوزه خزر، آسیای مرکزی می‌توان گفت که غنی‌ترین قلمرو جغرافیایی در این محدوده واقع شده است. از نظر حجم ذخایر، بسیار غنی است و از لحاظ انرژی و منابع هیدروکربوری نیز پتانسیل بالایی دارد، زیرا حدوداً ۷۰ درصد ذخایر شناخته شده نفتی و ۴۰ درصد ذخایر گاز جهان در منطقه‌ای واقع شده است که محدوده آن از جنوب روسیه شروع و تا کشور عمان ادامه می‌یابد. با توجه به تغییرات و تحولات نظام بین‌المللی و

فروپاشی ابرقدرت شرق، روند آرام و تدریجی تفکیک بلوک غرب در حال تکوین است و در حقیقت غرب صرفاً به معنی آمریکا تلقی نمی‌شود. همان‌گونه که رقابت فشرده اقتصادی بین مراکز قدرت اقتصادی جهان نشان می‌دهد ساختار قدرت در جهان به سوی نظام چندمرکزی پیش می‌رود؛ بنابراین در نظام متکثر آینده، مراکز قدرت چندگانه‌ای وجود خواهند داشت که ما می‌توانیم با توجه به نیاز آن‌ها به منابع انرژی (که بخش قابل ملاحظه‌ای در اختیار ماست)، از کیفیت تعامل آن‌ها با هم در جهت منافع خودمان استفاده نماییم.

ژئوپولیتیک سرزمینی، جایگاه ایران را در بین ۳۷ کشور خاورمیانه و ۵۷ کشور جهان اسلام و ۲۷ کشور غرب آسیا برجسته نموده، امروزه ۶۳ درصد انرژی جهان از سه تنگه جبل الطارق، باب المندب و تنگه هرمز می‌گذرد که این موضوع جایگاه هژمونیک ایران را برجسته می‌نماید (Jalali, 2017: 3). با توجه به ظهور قدرت‌های بزرگ آسیایی مانند چین و قدرت‌های عمده‌ای مانند هند، می‌توانیم سیاست، نگاه به شرق را مبنای تنظیم روابط آتی خود با کشورهای قاره آسیا قرار دهیم. جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا دارای فرصت‌های متنوعی است؛ که در ذیل به آنان اشاره می‌شود. ۱- برخورداری از مرکزیت در میان کشورهای منطقه در بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا با چشم انداز ۷ میلیارد جمعیت در سال ۲۰۲۰. ۲- واقع شدن در قلمرو به هم پیوسته کشورهای اسلامی غرب آسیا با ۴۵۰ میلیون نفر جمعیت که تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۷۰۰ میلیون نفر خواهد شد.

۳- واقع شدن در قلب منطقه برخوردار از اهمیت استراتژیک، به دلیل وجود منابع تولید انرژی و برخورداری از ذخایر استراتژیک معدنی (واقع شدن در بیضی استراتژیک انرژی در جهان). ۴- هم‌جواری و قرابت جغرافیایی با ثقل جمعیت جهان در آسیا و افزایش یک میلیارد نفر تا سال ۲۰۲۰ در این منطقه. ۵- هم‌جواری و قرابت جغرافیایی با منطقه آسیای مرکزی با توجه به اهمیت یافتن منطقه برای سرمایه‌گذاری و نقش این منطقه در رقابت در قطب‌های قدرت در آینده و نیاز کشورهای تازه استقلال‌یافته در حوزه شمالی کشور به سرمایه و فناوری جدید به منظور ارتقاء سطح توسعه.

۶- اهمیت وجود منابع غنی هیدروکربوری در حوزه خزر، آسیای مرکز و قفقاز و ضرورت انتقال آن به بازارهای مصرف جهانی از مسیرهای امن و با صرفه اقتصادی و همچنین رقابت کشورهای منطقه و فرا منطقه‌ای برای تسلط بر منابع و راه‌های انتقال آن. ۷- همگن بودن اقتصاد متکی بر نفت جمهوری اسلامی با کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس. ۸- جهت برقراری امنیت منطقه‌ای گسترده در حوزه دریای خزر و خلیج فارس و به منظور تنش‌زدایی حاصل از اشغال نظامی عراق و افغانستان توسط آمریکا، ضرورت طرح‌ریزی صلح و امنیت غرب آسیا با محوریت جمهوری اسلامی ایران، از فرصت‌های پیش رو است (Rouhani, 2010: 93). پس از سقوط طالبان و پیگیری برنامه‌های بازسازی این کشور با توجه به فعالیت‌هایی که هم‌اکنون توسط کشورهای منطقه‌ای و فرامنه‌ای صورت می‌گیرد تجارت افغانستان با آسیای جنوبی مسلماً گسترش خواهد یافت. اساساً روابط تجاری افغانستان با حوزه آسیای جنوبی در پیوندی است که با پاکستان به عنوان جزئی از این مجموعه دارد و این نوع مبادلات بسیار کم است اما اهمیت پاکستان به مثابه دروازه‌ای برای خروج افغانستان از این موقعیت نامناسب جغرافیایی برای خود حائز اهمیت است، به ویژه اینکه به بهره‌گیری از کوتاه‌ترین مسیری به بندر کراچی می‌شود. در سال‌های جنگ داخلی

افغانستان و حتی پس از روی کار آمدن دولت طالبان تغییر شگرفی در حجم مبادلات صورت گرفت اما پس از روی کار آمدن دولت موقت این امید وجود دارد که با بازسازی زیرساخت‌های افغانستان با پاکستان نیز به ایفای نقش دولت ترانزیتی پردازد و باعث بهبودی وضعیت افغانستان شود.

سازمان همکاری اقتصادی (ECO¹) که با اراده سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان در سال ۱۹۸۵ م تأسیس شد، در حال حاضر با عضویت افغانستان و ۵ کشور آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان به کار خود ادامه می‌دهد، اهداف این سازمان اقتصادی که در سه حوزه جغرافیایی خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی و شبه‌قاره گسترش دارد عبارت است از توسعه حمل‌ونقل و زیرساخت‌های ارتباطی، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری و استفاده کارآمد از انرژی است. در این فاصله افغانستان دست به امضاء معاهدات تجاری با ایران و هند و همسایگان منطقه‌ای‌اش چون تاجیکستان و ازبکستان زده است، در موفق‌ترین حرکت‌ها ایران به تجار افغانی اجازه داد تا با استفاده از بندر چابهار مشرف به اقیانوس هند از امکانات صادراتی این بندر بهره ببرند. چابهار بالقوه می‌تواند بندر و مقصد اصلی برای تجارت به افغانستان و آسیای مرکزی و بالعکس باشد و مهم‌ترین رقیب پاکستان در تأمین و احداث تسهیلات برای عبور کالاها از شبه‌قاره به افغانستان و آسیای مرکزی خواهد بود. این بزرگ‌ترین امتیاز برای ایران است که بتواند از آن بهره‌برداری نماید و بدان وسیله در جهت تأمین امنیت همه جانبه مرزهای شمالی و شرقی خود حرکت نماید.

باید توجه داشت که پاکستان بدون فراهم کردن تسهیلات گمرکی و البته ارتباطی نمی‌تواند نقش مسیر ترانزیت و رابط شبه‌قاره با اقتصادهای حاشیه‌ای آسیای مرکزی باشد و کراچی مهم‌ترین نقطه بندری ارتباطی پاکستان برای کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان است در حالی که ایران هم اکنون امکانات بسیار گسترده مرزی چه در مرزهای خشکی و چه در مرزهای آبی برای ترانزیت کالاهای آسیای مرکزی و افغانستان در اختیار دارد (Ezzati, 2011: 57). روح الامینی پدیده‌های فرهنگی را به دو دسته مادی و غیرمادی تقسیم و آن‌ها را چنین تعریف می‌کند: فرهنگ مادی به مجموعه پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی هستند، مانند فنون. فرهنگ غیرمادی به موضوعات و مسائلی گفته می‌شود که قابل اندازه‌گیری با موازین کمی نیستند و به آسانی نمی‌توان آن‌ها را مقایسه و ارزیابی کرد، مانند معتقدات، ضوابط خویشاوندی، زبان و هنر، ادبیات و رسوم که در واقع هویت فرهنگی هر جامعه را تشکیل می‌دهند (Rouholamini, 1986: 24). محسنی می‌نویسد: «فرهنگ شامل دانش، اعتقادات و روش‌های انجام دادن است که در میان تعدادی از اعضای جامعه مشترک است و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (Mohseni, 1991: 193). فرهنگ شهروندی ایرانی یکی از کهن‌ترین و ریشه‌دارترین فرهنگ‌ها و تمدن‌ها جهان است، اگر کهن‌ترین و ریشه‌دارترین نباشد. پیشینه این فرهنگ و شهروندی کهن را در اندیشه‌های ایرانی هزاران سال پیش‌ازین باید جستجو کرد. در دورانی که آیین مهر (میترائیسم) و دین زرتشتی (مزداپیسم) راهگشای راه بشر به جایگاه شامخ انسان - خدایی شدند. تاریخ دقیق هیچ یک از این دو مکتب ایرانی را نمی‌توان تعیین کرد. تاریخ پیدایش میترائیسم را حتی به دوران مهاجرت تیره‌های آریایی به سرزمین ایران می‌رسانند، در حالی که تاریخ پیدایش مزداپیسم را میان سه تا پنج هزار سال پیش نوشته‌اند.

¹-Economic Cooperation Organization

برخی از پژوهشگران نامی معاصر همانند پیوفیلیپانی-رنکنی^۱ ایتالیایی، باور بر این دارند که ادامه میترائیزم در ایران باستان در کنار دین زرتشتی سبب شد تا این دین از حالت یکتاپرستی (مونوتئیزم) خارج شده و ارزش خود را به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین ادیان جهان بشری از دست دهد. شاید این گفته درست باشد، ولی باید توجه داشت که در همان حال، ادامه آیین مهر به موازات دین مزدا در ایران باستان سبب شد تا زمینه برای گسترش فرهنگ شهروندی درخشان در ایران فراهم آید. به گفته دیگر، این هر دو، از جهتی، مکمل هم بودند. چه، آیین مهر راه را برای درخشش عرفان یا «والانگری» ایرانی و اوج گرفتن برتر اندیشی در فرهنگ ایرانی گشوده و دین مزدا را برای گسترش اخلاقی اجتماعی پیشرفته و تمدن و فرهنگ انسان‌گرای ایرانی هموار نمود. این هر دو، به یاری هم توانستند که زیست پرارزش معنوی انسان‌های ایرانی را شکل دهند و در همان حال، حقیقت زندگی این جهانی و نیکو و ارزنده ساختن این زندگی را اساس تلاش‌های انسان قرار دهند. آنگاه که نوبت به نخستین دو از «دگرگونی و ادامه» ایران رسید، مزدا بی‌زم جای خود را به اسلام داد و میترائیزم جای خود را به عرفان ایران و عرفان اسلامی داد. آیین مهر، برخلاف گمان برخی اندیشمندان، نه دین بود و نه مکتب خورشید پرستی. این آیین را باید «طریقت» یا «روش حقیقت‌یابی» دانست. مهر، به عنوان یک واژه، معانی گوناگونی در فرهنگ زبان‌های ایرانی دارد. خورشید، نور، گرمی، مهربانی یا محبت، دوست داشتن از جمله این معانی است. خورشید در آیین مهر، حد میانه‌ای است بین جهان انسانی و کمال نهایی، خدا. آنچه آیین مهر تلاش برای دست یافتنش دارد، انسان کامل است و انسان کامل را جز «وجودی خلاق» نمی‌توان دانست. بر اساس این اندیشه والا است که مولوی می‌گوید:

آنان که طلبکار خدائید، خود آید بیرون ز شما نیست کجایید، کجایید

ای انسان‌های سرگشته که در جستجوی کمال در خارج از وجود خود هستید، به خود آید و در درون خود به تکاپو پردازید، والا نگرید و ارزش‌های حقیقی را دریابید تا بدانید که کمال، گوهری است نهفته در وجود شما انسان‌ها، شما ... شمائید...! این تنها شما انسان‌ها هستید که از موهبت اندیشیدن برخوردارید و بدین سبب بر همه موجودات برتری دارید. این تنها شما انسان‌ها هستید که باید اندیشه را به کار گیرید و به درجه کمال و خلاقیت رسید. طیران مرغ دیدی تو زپایند شهوت بدر آی تا ببینی طیران آدمیت و این فرمان شکوهمندی است در راه انسان شدن و والا شدن و کمال یافتن که سعدی شیرازی دست آوردش را چنین برشمرد: رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند بنگر تا چه حد است مقام آدمیت. پیش باخته‌های فکری و فرهنگی این والانگری و برتر اندیشی ایرانی از روزگاران کهن تحولی شگرف را در جهان بشری سبب گردید و گویی که بر خاور و باختر گیتی اثرگذارده است. اگر بودائیان، پرستش بودا و هندیان، پرستش سمبل‌های گوناگون را همراه با پیدایش میترائیزم آغاز کردند که مظهر انسان کامل شناخته می‌شوند و حد میانه بین انسان و کمال نهایی، در باختر زمین (یونانیان و رومیان قدیم) سمبل‌های حد میانه خدا و انسان را پرستیدند و سپس عیسی مسیح را «فرزند خدا» خوانده و انسان کاملش دانستند و حد میانه خدا و انسان. مهم‌ترین جنبه فرهنگ و شهروندی ایرانی، بدون تردید، جنبه انسان‌گرایی آن است. اساس این فرهنگ بر زیربنای انسان بودن و انسان‌دوستی استوار است. تصادفی نیست که سعدی گوید:

^۱ -Pyvfylypany Rnkny

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
 چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
 توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامد نهند آدمی

این گفته انسانی، ذری است که در صدف فرهنگ انسان‌گرای ایرانی سفته شده است. این سخن انسان‌گرا که امروز زینت بخش تالار اجتماعات حقوق بشر سازمان ملل متحد است و سراسر جهان بشری خود را بدان مفتخر می‌سازد، زمانی گفته شد که سیاهی و ددمنشی بر چهار گوشه گیتی حکمرانی داشت. در همان دوران سیاه بود که سعدی، به نقل از فردوسی که ده قرن پیش‌ازاین می‌زیست، گفت:

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد که رحمت بر آن تربت پاک باد

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است
 همچین شایان توجه است که در برابر این فرهنگ انسان‌گرای باستانی که قرن‌ها است آزاد حیوانات را منع می‌کند، باختر متمدن در قرن بیستم آموخته است که از حیوانات حمایت کند (Dietrich, 1993: 161).

-اسلام و هویت ایرانی

فرا آمدن اسلام و گسترش آن در فلات ایران اثر ژرفی بر این کشور، به عنوان یک قدرت سیاسی و یک هویت نهاد. این رویداد بزرگ اثر فرهنگی و مدنی گسترده‌ای بر ایران گذارد. اسلام، دینی تازه و پرنیرو به ایران هدیه کرد و از ایران هدایای فرهنگی و مدنی فراوانی دریافت نمود. اخترشناسی، پزشکی، کیمیاگری (شیمی)، صنایع گوناگون، هنرها و دست‌ساخت‌ها و معماری، فلسفه، عرفان، کلام و فقه برخی از شمار فراوان از افزودن‌های ایرانی است بر گسترش تمدن اسلامی. آیین نظام حکومتی فدرایتو که پیش از اسلام، از راه حکومت‌های واپسین رومی، بر باختر زمین اثر گذارده بود، با همان چگونگی‌ها، از سوی خلافت بغداد اقتباس گردید. اسلامی شیعی، از سوی دیگر، تجدید حیات ایرانی را در دوران پس از اسلام یاری گسترده‌ای داد. ایرانیان تشیع را که در هماهنگی بیشتری با ارزش‌های فرهنگی و سنتی خود یافتند، با آغوشی باز پذیرفتند و در سایه حمایتش کوشیدند تا هویت فرهنگی و سیاسی خود را تجدید کرده، نخست استقلال خود را نسبت به خلافت عربی تأمین نموده و آنگاه از چیره شدن خلافت عثمانی بر ایران و خاور جهان اسلام جلوگیری کنند. به‌این ترتیب، تشیع نیروی تازه‌ای به جنبش ایرانیان برای تجدید حیات ملیت و هویت ملی آنان داده و در نهایت با مضامین ملی آنان در آمیخت. در حالی که هویت ایرانی سخت از اندیشه‌ها و ایده‌های اسلامی اثر پذیرفت، کشور ایران پیروزمندانه زبان‌های هند و ایرانی ویژه و شماری از آیین و ارزش‌های باستانی خود را حفظ کرد (Mojtahedzadeh, 2000: 38).

پیش از بروز انقلاب اسلامی در ایران، نظام حکومتی و برخی از اندیشمندان جامعه سخت در تلاش پروردن هویتی برای ایران بودند که یکسره بر دستاوردها و افتخارات هخامنشی و ساسانی ایران تکیه داشت، بی آنکه اسلام را نقش مهمی در آن باشد. پس از انقلاب اسلامی برخی ارکان نظام حکومتی و برخی از اندیشمندان جامعه سخت سرگرم پروراندن هویتی برای این ملت شدند که یکسره بر اسلام و مفاخر اسلامی تکیه داشت و برخی از آنان تا آن جا پیش رفتند که ملیت را شاید مغایرت امت و هویت ملی را مغایر هویت اسلامی شمردند. این هر دو، راهی را می‌پیمودند که با طبیعت حقیقی ساختمان هویتی ایران سرسازگاری نداشته است. نه می‌توان قرن تمدن پیش از اسلام

ایران را نادیده گرفت و نه می‌توان چهارده قرن دین اسلام را در ایران انکار کرد. نه تنها «ملیت» با اسلام و مفهوم «امت» اسلامی مغایرت ندارد، بلکه اسلام در ایران بر فرهنگ و هویت ایرانی اثر ژرفی نهاد و از تمدن و فرهنگ ایرانی بهره فراوانی گرفت. ملی بودن و هویت ملی جداگانه نسبت به دیگران داشتن مورد تأیید قرآن کریم است. آنجا که می‌فرماید «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا انا کریمکم عندالله اتقیکم^۱، یعنی، ای مردم همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را به گونه ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا از هم متمایز و شناخته شوید...»، تردیدی باقی نمی‌گذارد که اصل «ملت» بودن و هویت ملی داشتن با اسلام مغایرت ندارد.

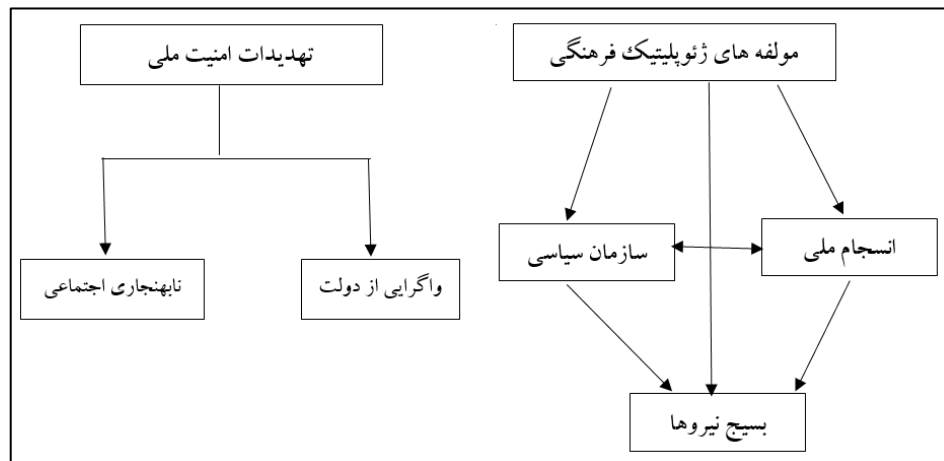
در این بحث بسیار ژرف و پرمعنی، قرآن کریم تأکید بر آن دارد که ملت‌های جداگانه بودن و متمایز بودن گروه‌های انسانی نسبت به یکدیگر و داشتن هویت ملی جداگانه یک پدیده ذاتی نهفته در ساختمان روحانی بشر است. در نخستین برخوردهای ایرانیان با مهاجمان عرب، جنبش‌هایی برای تجدید ادیان باستانی آغاز گردید که به جایی نرسید. تلاش ایرانیان برای رهایی از چیرگی خلافت عربی و تجدید هویت ملی و استقلال ایرانی و برای جلوگیری از گسترش خلافت عثمانی در سرزمین‌های ایرانی هنگامی به سرمنزل پیروزی رسید که ایرانیان مفاهیم ویژه‌ای از اسلام را با عوامل هویتی ملی خود درآمیختند و راهی را پیمودند که در پایان آن، تشیع، هویت ایرانی را در قبال چالش‌های خلافت عربی و خلافت عثمانی حفظ کرده و سرانجام استقلال ایران را تضمین نمود. یک جنبش ایرانی گری، تقریباً از همان سرآغاز ضمیمه شدن ایران به خلافت عربی، در سرزمین‌های ایرانی آغاز گردید. با هدف حفظ فرهنگ ایرانی و تجدید حیات ملیت ایرانی و زندگی سیاسی مستقل ایران، این جنبش در جنبه‌های گوناگون زندگی مردم خودنمایی کرد- از زبان تا هنرها، ادبیات، علوم و تکنولوژی آنان، از دین تا نقطه نظرهای اجتماعی آنان. گذشته از اثرگذاری فرهنگ و نظام اداری ایرانی برخلاف عربی، ایرانیان جنبشی را در درون آن خلافت آغاز کردند که تجدید حیات استقلال فرهنگی و سیاسی کشور را هدف داشت. این جنبش جنبه‌های گوناگونی به خود گرفت. از یک سوی، شماری از مبارزات مسلحانه در گوشه و کنار فلات ایرانی آغاز شد که به پیدایش شماری از حکومت‌های محلی انجامید، از سوی دیگر، جنبشی فرهنگی زمینه را آماده تجدید حیات ایران کرد. یک عامل بسیار پراهمیت در باز پیدایی هویت ایرانی، گسترش تشیع در میان توده مردمان در سرزمین‌های ایرانی بود. اگر ایرانیان به تشیع روی نمی‌کردند و اگر شاه اسماعیل صفوی تشیع را دین رسمی ایران اعلام نمی‌کرد، به احتمال خیلی زیاد امروز کشور یا واحد سیاسی مستقلی به نام ایران و با این ویژگی‌ها وجود نمی‌داشت. به این دلیل است که منظور از بحث بالا این نیست که تشیع به عنوان دین رسمی ایران تنها نشانه ایرانی گری است. خیر! مسلمانان زیادی در دنیای عرب شیعی مذهب‌اند و ایرانی نیستند و ایرانیان زیادی سنی مذهب‌اند و یا زرتشتی و مسیحی و کلیمی مذهب‌اند و کاملاً ایرانی هستند. هویت ایرانی هویتی یک پایه نیست و علیرغم هویت یک پایه اعراب و ترک‌ها که متکی بر عامل زبان است، هویت ایرانی هویتی چندپایه است و بر عواملی چون سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، ادبیات مشترک، دین مشترک، آداب و سنن مشترک استوار است. آن‌چنان که واژگان گاتمن^۲ هویت و ملیت یک سرزمین و

^۱ -The Holy Quran,

^۲ - Jen Gottmann

یک گروه انسانی را تعریف کرده است. هر ایرانی که در یک عامل از عوامل بالا با ایرانی دیگری شریک نباشد، در دیگر عوامل با او و دیگران ایرانیان شریک است (Ibid., 139). در ادامه موضوع فرهنگ، فرصت‌های فرهنگی ایران از منظر بین‌المللی را به شرح ذیل می‌توان برشمرد: ۱- وجوه مشترک دینی با کشورهای همسایه و نفوذ فرهنگ برخوردار از زمینه مشترک زبان و تمدن ایرانی در کشورهای حوزه خزر، آسیای مرکزی و همچنین کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس و قابلیت گسترش دیانت اسلام در منطقه ۲- قدمت تمدن، ایرانی کهن در منطقه ۳- اهمیت محتوای اسلام با تأکید بر فرهنگ اسلام ناب محمدی و مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی در ساختار فرهنگی هویت ملی ۴- تأکید بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی و پایداری فرهنگی به عنوان یک اصل نهادینه شده در ساختار فرهنگی هویت ملی ایرانیان ۵- انسجام هویت‌های اسلامی و ایرانی در پهنه و قلمرو سرزمینی و در نتیجه برخوردار از هویت واحد و یکپارچگی فرهنگی در کنار وجود خرده فرهنگ‌های محلی، قومی و منطقه‌ای ۶- توان هویت اسلامی - ایرانی برای احیای ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی در جهت مواجهه با تهاجم فرهنگی و رعایت اصول و ضوابط پایداری فرهنگی و تولید محصولات فرهنگی مورد نیاز جوامع بشری در راستای تبلیغ اسلام ناب و اثرگذاری بر تحولات فرهنگی جهانی (با توجه به نقش روزافزون فرهنگ در روابط بین‌الملل).

۷- تعهد به اهمیت نقش اسلام در همگرایی منطقه‌ای در راستای تقویت همکاری‌ها و ایجاد نهادهای فرهنگ اسلامی در حوزه‌های تخصصی و پژوهشی، تولید کالاهای فرهنگی و تقویت منابع کشورهای اسلامی و منطقه‌ای (Rouhani, 2010: 93).



نمودار شماره ۱: فرصت‌های فرهنگی ایران از منظر بین‌المللی

Source: (Research findings)

مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی

در یک نگاه اجمالی مؤلفه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی را می‌توان در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد بررسی قرار داد؛ در ذیل به برخی از این مؤلفه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - سطح ملی

الف. بعد سیاسی شامل صیانت از: ملیت، جمهوریت، اسلامیت، مشروعیت نظام، انسجام و وحدت ملی، ظرفیت سیاسی، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی، قانون اساسی، تمامیت ارضی ... ب. بعد اقتصادی شامل: نیل به خودکفایی اقتصادی، پیشبرد توسعه موزون و بومی، تأمین نیازهای اساسی، کاهش فقر و فاصله طبقاتی، افزایش رفاه و خدمات عمومی، ارتقاء توانایی‌های فنی، افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال ... ج. بعد اجتماعی شامل: گسترش عدالت اجتماعی و کاهش تبعیض، تقویت همبستگی و انسجام جمعی، تقویت امیدواری مردم نسبت به آینده خود، جامعه و نظام، ارتقاء سطح بهداشت و سلامت جمعی و روانی جامعه، تقویت احساس تعلق افراد به جامعه ... د. بعد فرهنگی شامل: صیانت از هویت ملی و مذهبی، ترویج الگوهای ملی و اسلامی در جامعه، تقویت فرهنگ قانون‌گرایی و مشارکت مدنی، صیانت از ارزش‌ها و هنجارهای اصیل فرهنگی، مقابله با ابتذال و تهاجم فرهنگی غرب، تقویت بنیان‌های اعتقادی جامعه، مقابله با رواج بی‌دینی، سکولاریسم، فرقه‌گرایی، سلفی‌گری و تقویت پیوند نسل جوان با فرهنگ ملی و اسلامی ...

۲ - سطح منطقه‌ای

- نیل به جایگاهی شایسته در معادلات منطقه‌ای استقرار یک نظام فراگیر امنیت جمعی، فارغ از مداخله عوامل فرامنطقه‌ای، به منظور تأمین، حفظ و تقویت امنیت در منطقه
- افزایش عمق استراتژیک
- چندجانبه‌گری و روابط مسالمت‌آمیز و مبتنی بر همکاری با همسایگان و سایر کشورهای منطقه
- حفظ و گسترش حیثیت و اعتبار سیاسی کشور نزد ملل منطقه - ترویج ارزش‌ها و آرمان‌های نظام در جوامع منطقه
- حل و فصل بحران خاورمیانه با ابتکاری مبتنی بر تضمین حقوق حقه آحاد ملت فلسطین ... (Razani, 1969: 138)

۳ - سطح بین‌المللی

- تقویت کیان اسلام و مذهب تشیع در جهان
- حمایت از مستضعفان و ملل محروم دنیا، به ویژه مسلمانان
- گسترش روابط ایران با کشورها و کانون‌های مؤثر سیاسی - اقتصادی جهان
- گسترش همکاری و تعهدات بین‌المللی نظام از طریق مشارکت فعال در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از جمله سازمان ملل و سازمان اجلاس اسلامی
- تصحیح و اعتلای وجهه بین‌المللی ایران و تلاش در جهت ارائه چهره‌ای موفق از نظام جمهوری اسلامی
- دفاع از توزیع قدرت در سطح جهانی و تقویت جهان چند قطبی ...
- همچنین اهم محورهایی که طی سال‌های اخیر در فهرست امنیت ملی کشور مورد توجه بوده‌اند، عبارت است از:
- وقوع جنگ در کشورهای همسایه شرقی و غربی، چگونگی تعامل با افغانستان پسا طالبان و عراق پسا صدام و توسعه نفوذ آمریکا و اسرائیل در کشورهای همجوار

- تلاش برای دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای
- اختلافات حقوقی و مرزی با کشورهای همسایه (جزایر سه گانه، دریای خزر، اروندرود و هیرمند)
- جنگ روانی و تبلیغاتی علیه ایران با اتهاماتی چون حمایت از تروریسم بین‌المللی، نقض دموکراسی و حقوق بشر، تلاش جهت دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و مداخله در امور همسایگان...
- تشکیل و تقویت اتحادیه‌های نظامی و امنیتی در منطقه به ابتکار آمریکا و رژیم صهیونیستی نظیر ترتیبات امنیتی قفقاز ... (Ibid., 59).

- تلاش در جهت وحدت و انسجام کشورهای اسلامی به‌ویژه خاورمیانه و منطقه غرب آسیا از طریق ساز و کارهای منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای عضو عدم تعهد ...
- به بیان دیگر اهداف اصلی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به این قرار است:

این اهداف به ۴ دسته تقسیم بندی است:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی
- ۲- تحقق رفاه و ثبات سیاسی کشور
- ۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی
- ۴- فراهم کردن امکانات فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای احتمالی با توجه به اهمیت منافع وجودی، حیاتی، اساسی و حاشیه‌ای (Roshandel, 1995: 1874).

منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به صورت سلسله مراتب زیر اولویت‌بندی کرد:

الف) حفظ بقا و موجودیت کشور:

- ۱- تمامیت ارضی
 - ۲- حاکمیت ملی و استقلال کشور
 - ۳- امنیت و وحدت ملی
- ب) حفظ انقلاب اسلامی و مبانی آن:
- ۱- ارزش‌های اسلامی و شیعی و انقلابی
 - ۲- موجودیت اسلام و تشیع
 - ۳- استمرار و تقویت شیوه و مشی انقلابی
- ج) استقرار نظم سیاسی، اقتصادی بین‌المللی مطلوب
- ۱- نفی نظام تک قطبی
 - ۲- نفی هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و منطقه‌ای اسرائیل
 - ۳- وحدت جهان اسلام
 - ۴- جامعه عدل اسلامی جهانی
 - ۵- حمایت از مسلمانان، مستضعفین و جنبش‌های آزادی‌بخش
- د) سعادت و وضعیت مطلوب اقتصادی:

- ۱- رشد و توسعه اقتصادی

۲ - رفاه و عدالت اجتماعی

۳ - معیشت ضروری مردم

۴ - دسترسی آزادانه به سرمایه و بازار بین‌المللی

۵ - خودکفایی (Kiani, 2007: 146).

سیاست خارجی دولت یازدهم را می‌توان تحت عنوان تعامل سازنده با جهان در چارچوب دولت توسعه‌گرا مورد بحث قرار داد. این سیاست خارجی به دنبال آن است که از طریق تنش‌زدایی، اعتمادسازی، دوری از امنیتی شدن، بهبود چهره و پرستیژ ایران، دیپلماسی فعال و روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، زمینه را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور در چارچوب اسناد بالادستی مهیا سازد. به باور آقای روحانی سیاست خارجی چند سال گذشته با تنش‌زدایی و تندروری، عملاً ایران را وارد فاز امنیتی نموده و زمینه را برای تحقق رشد و توسعه همه‌جانبه کشور کاهش داده است. در نتیجه برای بازگرداندن کشور به مسیر ۱۴۰۴ هـ ش می‌بایست دولتی توسعه‌گرا قدرت را در دست داشته باشد (Kiani, 2007: 146) با این وجود سیاست خارجی دولت دوازدهم آقای روحانی در تعامل با عزت و به ویژه آمریکا و شکست برجام و تحریم‌های ظالمانه توسط دولت ترامپ عملاً با چالش مواجه شد.

عوامل همگرایی و واگرایی با کشورهای افغانستان و پاکستان

همگرایی منطقه‌ای^۱ نوعی در هم آمیزی اقتصادی، سیاسی و استراتژیک کشورها در منطقه ویژه‌ای را برای پدید آوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است (Mojtahedzadeh, 2002: 205). سابقه چنین طرز تفکری را می‌بایست در بطن تاریخ جست، آموزش و تعلیمات دینی و مذهبی و فلسفه ظهور ادیان، تشکیل جوامع بزرگ تاریخ باستان، تلاش فرمانروایان بزرگ همچون کوروش، اسکندر، شاه عباس، ناپلئون، هیتلر و دیگران در راستای همگرایی صورت گرفته است. «مدینه فاضله» یا «شهر خدا» از آگوستین قدیس که اشاره به جامعه‌ای بر فراز جوامع محدود آن ایام بود که در چارچوب عناصر ملی، نژادی طبقاتی قرار گرفته بود (Kazemi, 1991: 23). یا نظرات ابن خلدون که در آن اشاره شده بدون همکاری، همبستگی و تعاون بقای جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود و انسان محکوم به همکاری است؛ همه نمونه‌هایی از همگرایی می‌باشند (Ezzati, 2010: 1). در اوایل قرن بیست و یکم ژئواکونومی که رابطه بین قدرت اقتصادی و فضا را بررسی می‌کند به عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها جهت پیشبرد اهدافشان خواهد بود. ژئواکونومی در شکل‌گیری قدرت نقشی ندارد بلکه یک جنبه از مشخصات توسعه در ارتباط با عوامل مهمی است که تعیین می‌کند و یک جنبه‌اش در ارتباط با تأکید بر تغییر استراتژی‌های نظامی به استراتژی اقتصادی است (Ezzati, 2001: 1140). به عبارتی ژئوپلیتیک بعد از جنگ سرد، ژئوپلیتیک همکاری و همگرایی به جای تقابل و رویارویی و تقویت قدرت نظامی است (Mir Haier, 2002: 91) یعنی ظهور ژئواکونومی که در آن کارکرد مرزها متحول گشته و توجه به بالاترین بازده و بازارهای جهانی سرمایه - گذاری و عرضه محصولات است. تشکیل اتحادیه‌ای منطقه‌ای نیرومند و مؤثر نیازمند شناخت نیروهای درونی و موانع پیرامونی و تدوین استراتژی؛ و هدف‌های مقطعی و بلند

¹ Regional Intergration

مدت و راه‌های کوتاه مدت است و سطوح گوناگون همکاری مبتنی بر مشارکت عوامل گسترده‌ای می‌بایست باشد که فراتر از منافع دولت است این رویکرد که به عنوان راه حلی جهت همکاری و نزدیکی دولت‌های ملی در دهه‌های اخیر به‌طور جدی پیگیری می‌شود الهام گرفته از نظریه کارکردی است که معتقد است با برخورد منطقی و تدریجی می‌توان به آرمان صلح از طریق ایجاد و تقویت همکاری اقتصادی در سطح منطقه یا نواحی جغرافیایی دست‌یافت (Kazemi, 1990: 499). این نوع سازمان‌ها که کشورهای یک منطقه جغرافیایی در آن عضویت دارند توسط منشور سازمان ملل متحد برای انجام امور مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب با اقدامات منطقه‌ای مقدم بر شورای امنیت دانسته (ماده ۳۳ و ۵۲) و اجازه داده در موارد مقتضی از این نهادهای منطقه‌ای برای عملیات اجرایی استفاده گردد (ماده ۵۳) انرژی به عنوان موتور متحرکه اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از یک سو و شکل گرفتن خاورمیانه جدید که مجموعه‌ای از خاورمیانه سنتی به علاوه حوزه خزر که در آن انطباق کاملی بین ژئوپلیتیک و قلمروهای ژئواستراتژیک وجود داشته و بر محوریت انرژی استوار است (Ezzati, 2011: 3).

جدول شماره ۱- عوامل و پارامترهای همگرایی (همسایگان شرقی)

عوامل ژئوپلیتیک	یافته‌ها
مجاورت جغرافیایی	مجاورت جغرافیایی به عنوان نیرومندترین عامل ژئوپلیتیک در همگرایی منطقه‌ای است از جهت اقتصادی نزدیکی ایران به کشورهای منطقه توان حضور این کشورها را در بازارهای جهانی امکان‌پذیر می‌سازد.
ژئوپلیتیک دسترسی	با توجه به حضور در منطقه، نیاز منطقه جهت دسترسی به آب‌های آزاد جدای از مسئله نفت و گاز، قطعی است.
پیوستگی فرهنگی تمدنی	این منطقه از دوران هخامنشی تا امپراتوری صفوی و دوران قاجاریه در قرن ۱۹ بخش عظیمی از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی را تضمین می‌کرد.
امنیت متقابل	امنیت متقابل کشورهای منطقه ایجاد می‌کند تا با تشکیل همگرایی منطقه ثبات و امنیت حاکم شود و از نفوذ و مانور قدرت‌های منطقه‌ای که زمینه‌ساز تنش‌های گوناگون می‌باشند جلوگیری شود.
ژئوپلیتیک مذهبی	کشورهای منطقه به جز روسیه و ارمنستان جزئی از ژئوپلیتیک جهان اسلام می‌باشند، هر چند در صورت دامن زدن به اختلافات مذهبی نیروها و اگر قدرت مانور بیشتری می‌یابند.
ژئواکونومیک متقابل	کشورهای منطقه به لحاظ اقتصادی وابستگی شدیدی به ایران خواهند داشت و ایران از جهت حضور در بازارهای جدید هیچ گزینه‌ای را بهتر از کشورهای منطقه به دست نخواهند آورد.
قدرت مانور	با تشکیل اتحادیه همگرایی منطقه‌ای کشورهای عضو قدرت مانور بسیار بالایی خواهند داشت.
هویت	هویت‌های مشترک بر پایه مشترکات فرهنگی و مذهبی نقش حائز اهمیتی در شکل‌گیری همگرایی مشترک دارند.
حل منازعات منطقه‌ای	بحران‌های منطقه‌ای را با استفاده از میانجی‌گری کشورهای منطقه به‌راحتی می‌تواند حل‌وفصل شود. (Ezzati, 2010: 4)
زبان فارسی دری و نمادهای ملی و مذهبی	این سه عامل را می‌توان از عوامل همگرایی با همسایه شرقی (افغانستان) برشمرد.
حضور نیروهای معتدل و عمل‌گرا در آینده سیاسی افغانستان	این گروه‌های معتدل و عمل‌گرا برخلاف پشتوها و طالبان، با عقلانیت بیشتری طرفدار ثبات امنیتی در افغانستان و روابط سازنده با ایران هستند.
پروژه چابهار	آقای اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان با حضور در تهران از پروژه چابهار استقبال کردند تا افغانستان از محاط بودن خشکی نجات پیدا کند. متأسفانه اثرگذاری لابی‌های خارجی تلاش در ممانعت همگرایی ایران و افغانستان در این زمینه شده است. (لابی‌های غربی، عربی)
ثبات سیاسی در افغانستان	ثبات در افغانستان از آنجا که از نظر اقتصادی به نفع هند و چین به عنوان صادرکننده خواهد بود، همچنین از نظر امنیتی همسو با اهداف روسیه و ایران نیز خواهد بود و از جانب این کشورها حمایت می‌شود، هم ایران و هم روسیه ثبات و امنیت را در افغانستان به نفع امنیت در مرزهای خود و آسیای مرکزی ارزیابی می‌کنند.
مبارزه با تروریسم در مرز پاکستان	توافقات قضایی ایران و پاکستان در مسائل سیاسی، اقتصادی و قضایی در مبارزه با تروریسم و مواد مخدر در تحکیم روابط و همگرایی بین دو کشور مؤثر خواهد بود.
پیمان‌های سیاسی اقتصادی	عضویت ایران و پاکستان در پیمان سیاسی اقتصادی شانگهای، پیمان اقتصادی اگو، سازمان کشورهای اسلامی و گروه موسوم به D8 با ماهیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک باعث ارتقاء در روابط دو کشور خواهد شد.
انرژی	صادرات و واردات غیرنفتی و منابع گازی و سایر منابع فسیلی بخشی از روابط ژئواکونومیک ایران و پاکستان است (Mehdi, 2015: 1)
نیروهای رزمندگانه مدافع حرم فاطمیون و زینبیون	در پی عزم جدی برخی از کشورهای منطقه در مبارزه با داعش در کشورهای سوریه و عراق حضور نیروهای رزمندگانه افغانستان تحت عنوان مدافع حرم فاطمیون و نیروهای رزمندگانه پاکستان تحت عنوان زینبیون باعث تقویت روابط بین شیعیان این سه کشور گردیده است.
مبارزه با تروریسم	پدیده تروریسم به‌ویژه طی دهه‌های گذشته در کشورهای منطقه و به‌ویژه مرزهای شرقی ما، آثار فاجعه باری را از خود بجای گذاشته است. با تعاملی که صورت پذیرفته است حوادث تروریستی در نقاط مرز با ایران و پاکستان کاهش پیدا کرده است.
بازسازی افغانستان	گسترش تعاملات و همکاری اقتصادی و بازسازی افغانستان از یک سو منافع اقتصادی خواهد داشت و از سوی دیگر موجب افزایش همگرایی در حوزه امنیتی می‌شود.
همبستگی فرهنگی، تاریخی و مذهبی	به‌کارگیری ظرفیت‌های مورد نظر در افغانستان و پاکستان و روابط دیپلماتیک بر پایه برد برد، نقش مهمی در همگرایی ایجاد خواهد کرد.

Source: (Research findings)

جدول شماره ۲- عوامل و پارامترهای واگرایی میان ایران و همسایگان شرقی

عوامل ژئوپلیتیکی	یافته‌ها
ترکیبات قومی، مذهبی و نژادی	ترکیبات قومی، مذهبی و نژادی عامل ژئوپلیتیکی است که تنش‌های شدیدی را در منطقه موجب گردیده است.
تهدیدات امنیتی	گسترش ناتو به سوی شرق، عضویت کشورهای منطقه‌ای در پروژه صلح ناتو و ترنیتان امنیتی قفقاز با الگوی ۲+۲+۳ که نقش ایران را در منطقه بسیار ضعیف نشان می‌دهد.
مشکلات اقتصادی	این کشورها با اقتصاد ضعیف و درآمد سرانه پایین روزگار می‌گذرانند.
شبکه ارتباطی نامناسب	شبکه ارتباطی این کشورها در سطح بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی قرار دارد (Ezzati, 2010: 4)
گروه‌های تروریستی، طالبان و داعش	مسئله فعالیت گروه‌های تروریستی در شمال افغانستان (در گذشته به گروه‌های نزدیک ایران مانند برهان الدین ربانی و یا احمدشاه مسعود اتحاد شمال را تشکیل می‌دادند).
تحت فشار قرار دادن تاجیک‌ها و شیعیان نزدیک به ایران	علاوه بر فشارهای مختلف بر تاجیک‌ها و شیعیان، روند توسعه در این مناطق نیز بسیار آهسته و یا متوقف شده است.
افزایش تحرکات گروه‌های تروریستی در شمال افغانستان	این گروه‌ها به سهولت به آسیای مرکزی و همسایگان شمال ایران از جمله ترکمنستان شده است (گروه‌های داعش و طالبان)
قاچاق مواد مخدر	افغانستان به عنوان کشور همسایه شرقی و تولیدکننده مواد مخدر، همواره موجب نگرانی‌های ایران در این حوزه بوده است.
آینده سیاسی افغانستان	آینده دولت در افغانستان نگران‌کننده است، برخی از اعضای طالبان از بدنه طالبان جدا شده و وارد فرایند سیاسی شده‌اند که همین مسئله وزن گروه‌های پشتیبان و مخالف ایران را افزایش می‌دهد و حتی برای دولت آینده افغانستان مساعد نیست.
گسست ژئوپلیتیکی	نگاه‌ها و گرایش‌های محدوده جلال آباد در مرزهای شرقی عمدتاً سندی و پنجابی و پشتویی است. در شمال شرق گرایش‌ها به شرق آسیایی ولی پر گرایش‌ها به چین، هند، ازبکستان، ترکمنستان و ایران است. این مسئله موجب گسست ژئوپلیتیکی افغانستان شده و اجازه نمی‌دهد این کشور با هیچ کشور دیگری در منطقه پیمان استراتژیک داشته باشد.
تعدد بازیگران قومی و اجتماعی	مانع از شکل‌گیری هر نوع پیمان امنیتی با هر کشوری که ایران نیز از این مستثنی نیست.
چالش‌های محیط زیستی	مسئله آب هیرمند همیشه موضوع مورد اختلاف میان ایران و افغانستان بوده است. در عین حال اقدامات دولت خارجی و تلاش سایر بازیگران خارجی برای جلوگیری از اتحاد و همگرایی استراتژیک ایران و افغانستان بوده است.
نقش بازیگران خارجی	بازیگران خارجی از گذشته تاریخ تاکنون همیشه سعی در دور نگه داشتن افغانستان از ایران دانسته‌اند. ظهور طالبان در همین چارچوب بود. (حمایت‌های امنیتی پاکستان و حمایت‌های مالی عربستان) با هدف جلوگیری از ثبات در افغانستان.
اقدامات تروریستی پاکستان در مرز مشترک	این گروه‌ها به شکل متناوب و از گذشته، مبادرت به انجام عملیات‌های خرابکارانه و تروریستی می‌کنند. سفر مجدد ظریف در ۹۷/۰۲/۱۳ به اسلام آباد در پی اقدام گروه تروریستی جیش العدل در شهادت ۹ نفر از مرزبانان ایرانی بود. (ظریف، محمدجواد در سفر به کابل)
مهاجرین	آمارها نشان دهنده است کم‌کم سه میلیون نفر مهاجر افغانستان در خاک ایران است، بسیاری از شهروندان افغانستان از سال‌های دهه هشتاد میلادی و در پی بالا گرفتن جنگ داخلی و تهاجم خارجی، به ایران مهاجرت نمودند. مهاجرین افغان در ایران در صورت انسجام تهدیدی بالقوه محسوب می‌شوند.
عملیات اجرایی فاز دوم سد کجکی بر روی هیرمند	دولت افغانستان با کمک برخی از بازیگران منطقه‌ای، عملیات دوم سد کجکی را بر سر حقیقه‌های مرزی با ایران نهایی کرد. اقدامی که بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی مجاز به انجامش نبود که کاهش چشمگیر آب را به سمت ایران در پی دارد.
قاچاق کالا و سوخت	طی ۴ ماه گذشته ۳/۹۵۰/۰۰۰ لیتر انواع سوخت از استان سیستان و بلوچستان به کشورهای همسایه قاچاق شده است که علاوه بر آسیب‌های اقتصادی، موجب سوانح رانندگی و آتش‌سوزی‌های مهیب شده است.
قاچاق اسلحه	آمارهای اعلام شده از سوی مراجع ذیصلاح قضایی و امنیتی حاکی از این است که خرید و فروش و حمل سلاح‌های گرم از وضعیت زرد خارج شده و به وضعیت قرمز رسیده است.
قاچاق انسان	اگر قاچاق انسان را وارد یا خارج ساختن ترانزیت مجاز یا غیر مجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا سوء استفاده از قدرت و یا موقعیت یا خدعه و نیرنگ و یا سوء استفاده از قدرت و یا موقعیت بدانیم، افغانستان کشوری در خور تأمل است.
سیاست و حکومت در کشورهای افغانستان و پاکستان	موضع‌گیری‌های این دولت‌ها در تحولات داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی حاکی از نقش قدرت‌های بزرگ در تحولات سیاسی آن‌هاست.
حضور نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو در افغانستان	وجود این نیروها در نزدیکی مرزهای شرقی، یک تهدید امنیتی برای ایران محسوب می‌شوند.
دسترسی پاکستان به سلاح اتمی	این موضوع می‌تواند در درازمدت روابط دیپلماتیک و سیاسی دو کشور را خدشه‌دار نماید، اثرپذیری سیاست و حکومت پاکستان از نیروهای مداخله‌گر، تعیین‌کننده است.

Source: (Research findings)

دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران

حرکت در جهت ایجاد بازدارندگی همه جانبه و افزایش توانمندی‌های نظامی و دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران، بدون شک یکی از مهم‌ترین محورهای راهبرد امنیتی برای مقابله با تهدیدات است. راهبرد منطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران همواره بر اساس صلح و دوستی با کشورهای همسو و متحد به خصوص کشورهای همسایه تعریف شده است و استراتژی دفاعی ایران بر مبنای دفاع، بازدارندگی و پاسخ به تهدیدات احتمالی دشمنان به ویژه آمریکا قرار دارد. تأکید دکتربین دفاعی ایران بر بازدارندگی متعارف و نیز جنگ نامتقارن با استفاده از صنایع موشکی است- (Tarami, 2003: 78). دکتربین نظامی دفاعی مجموعه‌ای از اصول اساسی، قواعد، نظریه‌ها، اندیشه‌ها، زیربنای فکری و اصول بنیادی مورد قبول و حمایت ملی است که توسط رهبران سیاسی - نظامی کشور و با توجه به دکتربین بنیادی مورد قبول و حمایت ملی است که توسط رهبران سیاسی - نظامی بالاترین و کلان‌ترین قواعدی هستند که در ساختار نظامی یک کشور تعریف می‌شوند (Danesh Ashtiani, 2015: 27). دانیل کوتسی^۱ مدیر اطلاعات ملی آمریکا با سخنرانی در کمیته ویژه سنای کنگره آمریکا، اعلام نمود که ایران از بزرگ‌ترین زرادخانه موشک‌های بالستیک در منطقه برخوردار است. ایران دارای بزرگ‌ترین زرادخانه موشک‌های بالستیک در خاورمیانه است و می‌تواند به اهدافی تا فاصله ۲ هزار کیلومتر از مرزهای خود ضربه بزند ایران به طراحی و بهبود سیستم تسلیحاتی خود ادامه می‌دهد تا تأسیسات نظامی آمریکا و متحدان آن در منطقه را تحت نظر داشته باشد. از جمله این تسلیحات می‌توان از پهپاد، موشک‌های بالستیک، مین‌های دریایی، قایق‌های موتوری، زیردریایی‌های مجهز به اژدرهای مدرن، موشک‌های کروز ضد کشتی و موشک‌های کروز زمین پایه، پناهگاه‌های موشکی زیرزمینی، اورانیوم غنی شده و غیره یاد کرد (Sputnik News, 2018:27).

اقدامات جمهوری اسلامی ایران در مورد امنیت مرزهای شرقی

موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که همیشه در دوره‌های گذشته در معرض تهاجم همسایگان خود بوده است. ایران به لحاظ جغرافیایی و ژئوپلیتیک همواره نقش مهمی را در منطقه و حتی جهان داشته است. مسلماً مرزهای کشور در این راستا اهمیتی دوچندان دارند. در این میان مرزهای شرقی ایران که بسیار طولانی هستند با موضوعاتی از قبیل مواد مخدر، ژئوپلیتیک آب، مسائل قومی و مذهبی و حضور کشورهای بیگانه دست به گریبان‌اند. ایران از سمت شرق با دو کشور افغانستان و پاکستان هم‌مرز است؛ کشورهایی که به دلیل دوره‌های طولانی تنش و بی‌ثباتی، نقش زیادی در ایجاد ناامنی در مناطق هم‌جوار خود از جمله ایران دارند. به طور کلی، کنترل مرز به اقدامات و روندهایی اطلاق می‌شود که از سوی یک کشور جهت نظارت حفاظت از مرز بر روی جریان افراد، کالا و حیوانات در سرتاسر مرز اعمال می‌شود (Hafiz Nia, 2002: 12). از این رو جهت مدیریت و کنترل بهتر مرز در موارد مذکور، نیاز به تعیین استانداردها و الگوی مشخص، شاخص‌های مرتبط در به حداقل رساندن آسیب‌پذیری و حداکثر سازی موارد کنترلی است. به‌طورکلی اقدامات جمهوری اسلامی ایران را مورد امنیت مرزهای شرقی شامل:

الف- اقدامات نظامی امنیتی

۱- اشرافیت نظامی امنیتی در مناطق مرزی شرق کشور.

۲- مبارزه با افراطی‌گری، تروریسم، قاچاق انسان، قاچاق اسلحه و مواد مخدر.

۳- همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.

^۱ - Daniel cutesy سخنرانی مدیر اطلاعات ملی آمریکا در کمیته ویژه سنای کنگره آمریکا در مورخه ۸ اسفند ۱۳۹۶

- ۴- برگزاری ده‌ها در رزمایش امنیتی و نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.
 - ۵- اقدامات لازم در جهت کاهش نقش نیروهای خارجی مداخله‌گر.
 - ۶- اقدامات فیزیکی شامل حفر کانال، انسداد دهانه مرز، نصب سیم‌خاردار، احداث پاسگاه و برجک‌های مرزی، خاکریز و انسداد الکترونیکی (Heidari, 2012: 143).
 - ۷- احداث جاده‌های مرزی برای سهولت مراجعه به یگان‌های مرزی.
 - ۸- مرمت و بهسازی پروژه‌های انسدادی فیزیکی در قالب حفر یا لایروبی کانال، رمل برداری و اقدامات نگهداشتی.
 - ۹- افزایش گروگان‌های مرزی و منازل سازمانی.
 - ۱۰- دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی سردسته گروهک تروریستی شیطنی جندالله.
 - ۱۱- اقدامات امنیتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در اشرف اطلاعاتی و ناکامی گروهک‌های تروریستی.
 - ۱۲- احداث موانع فیزیکی با حفظ موازین حقوقی و فنی جهت حفظ علائم مرزی، تثبیت میله‌ها و خطوط مرزی.
 - ۱۳- تمرکز در سیاست‌ها با ایجاد سازمان مرزبانی کشور در افزایش کنترل و امنیت مرزها.
 - ۱۴- تخلیه مرزنشینان از بعضی حواشی مرزها با افزایش قابلیت‌ها رزمی مرزبانی.
 - ۱۵- ایجاد قرارگاه عملیاتی شرق در جلوگیری از فعالیت اشراک مسلح و گروه‌های تروریستی و ضدانقلاب.
 - ۱۶- ایجاد قرارگاه قدس با هدف افزایش امنیت مرزها.
 - ۱۷- اجرای طرح امنیتی شهید شوشتری با هدف تأمین امنیت مناطق مرزی توسط مردم همان مناطق و فعالیت در دو حوزه محرومیت‌زدایی و امنیتی.
 - ۱۸- ایجاد ساختار مناسب و متناسب در سازمان نیروهای مسلح.
 - ۱۹- به‌کارگیری نیروهای مردمی در امر کنترل مرز.
 - ۲۰- بهره‌گیری از تجهیزات مدرن الکترونیکی و اپتیکی
 - ۲۱- برگزاری همایش‌های علمی با هدف شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی مرزهای شرقی.
 - ۲۲- خنثی‌سازی توطئه جداسازی نام بلوچستان از سیستان که با هدف ایجاد بحران امنیتی طراحی شده بود.
 - ۲۳- تقویت نیروهای مرزبانی ایران و پاکستان.
 - ۲۴- ممانعت از اقدامات تروریستی شبه نظامیان در خاک پاکستان علیه ایران.
 - ۲۵- تأکید دو کشور در گسترش روابط دو جانبه و ممانعت از مداخله بیگانگان.
 - ۲۶- تشکیل نیروی واکنش سریع مشترک ایران و پاکستان جهت مبارزه با تروریسم.
 - ۲۷- تأکید پاکستان بر عدم مشارکت در ائتلاف جنگی علیه ایران.
 - ۲۸- برخورد دولت پاکستان با فعالیت تروریست‌ها در نوار مرزی مشترک.
 - ۲۹- همکاری نیروهای مدافعین حرم تحت عنوان فاطمیون و زینبیون (پاکستان و افغانستان).
- ب- اقدامات سیاسی و دیپلماتیک
- ۱- تلاش در جهت همگرایی با همسایگان شرقی و پرهیز از واگرایی.

- ۲- اقدامات مؤثر دیپلماتیک در جهت کاهش نقش نیروهای خارجی.
- ۳- ایجاد زمینه‌های همکاری‌های مشترک با سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های آنان (Heidari, ibid: 145).
- ۴- برقراری دیپلماسی سازنده با کشورهای افغانستان و پاکستان.
- ۵- اقدامات سازنده در مورد مهاجرین.
- ۶- تصمیم ایران و پاکستان برای برقراری صلح در افغانستان (روحانی، عمران خان، همان).
- ج- اقدامات فرهنگی
 - ۱- تلاش در جهت ایجاد وحدت در بین طوایف و گرایش‌های مذهبی.
 - ۲- اقدامات رسانه ملی و محلی و مطبوعات باهدف تقویت امنیت ملی و تمامیت ارضی و هویت ایرانی اسلامی.
 - ۳- ممانعت از ایجاد زمینه‌های درگیری مذهبی میان اقوام و مذاهب مختلف.
 - ۴- اعزام مبلغین روحانی به مناطق محروم سیستان و بلوچستان جهت تبلیغ مبانی دینی و وحدت شیعه و سنی.
- د- اقدامات اقتصادی
 - ۱- ایجاد و گسترش بازارچه‌های مرزی با هدف ارتقاء سطح معیشت مرزنشینان و مبادلات مرزی.
 - ۲- مبارزه با قاچاق سوخت و کالا.
 - ۳- رویکرد مدیریت مرزی از امنیت، انتظامی به اقتصادی، تجاری در تأمین امنیت پایدار و کنترل مرزها.
 - ۴- آموزش سران قبایل در آموزشگاه‌های مربوطه و احیای کشاورزی مدرن.
 - ۵- ساخت منازل رایگان و تحویل به محرومین سیستان و بلوچستان.
 - ۶- درآمدزایی برای اقشار ضعیف و اشتغال زنان بی‌سرپرست در سیستان و بلوچستان.
 - ۷- ارائه خدمات به مناطق سنی نشین در سیستان و بلوچستان از قبیل برق‌رسانی، آب‌رسانی و جاده‌سازی.
 - ۸- تشکیل کمیته تهاتر برای توسعه روابط تجاری ایران و پاکستان.
 - ۹- استقبال ایران از راه‌آهن استانبول، اسلام‌آباد که بتواند اروپا را به پاکستان و چین متصل کند.
 - ۱۰- استفاده از ظرفیت‌های تجاری اقتصادی ایران و پاکستان برای تأمین نفت، گاز و برق پاکستان (روحانی، عمران خان، همان).
- ه - اقدامات زیست محیطی
 - ۱- اقدام در جهت کاهش فجایع زیست محیطی، به ویژه بحران هیدروپلیتیک و مسئله تالاب هامون و هیرمند.
 - ۲- راه‌اندازی مرکز پژوهشی آب و محیط‌زیست شرق (EWERI)^۱.
 - ۳- استقرار ۱۶ ایستگاه پایش گردوخاک در شرق و جنوب شرقی کشور
 - ۴- برگزاری گردهمایی فرماندهان یگان محیط‌زیست شرق کشور

^۱ این مرکز در سال ۱۳۹۵ با هدف «نقشه‌های راه» به منظور ارتقاء راهبردهای مدیریتی و اجرایی وضعیت منابع و مصارف آب از حالت کنونی به وضعیت مطلوب ایجاد شده است.

- ۵- اقدام در جهت کاهش اثرات سد کجکی دولت افغانستان در مسیر رودخانه هیرمند.
- ۶- پیگیری مسئله آب به عنوان مسئله اصلی استان سیستان و بلوچستان
- ۷- بیابان‌زدایی و مسئله برخورد با ریزگردها و پدیده خشکسالی.
- ۸- استفاده دولت پاکستان از تجارب ایران در حوزه بهداشت.
- ۹- مدیریت باران‌های سیل آسا در بهار ۱۳۹۸ و مرتفع شدن آب هیرمند و هامون و رفع ریزگردها (روحانی، عمران خان، همان).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

امروزه مفهوم امنیت دچار دگرگونی شده و از اندیشه‌های رئالیسم، ایدئالیسم و انترناسیونالیسم فراتر رفته و در نظریه‌های چهره متغیر امنیت ملی رابرت ماندل، باری بوزان و تئوری ثبات هژمونیک چارلز کیندل برگر تبلور یافته است برابر نظریه‌های جدید در حوزه امنیت ملی، می‌توان مدعی این واقعیت شد که موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر کشورها همواره‌ها از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سرنوشت ملت‌های آن‌ها بوده است، در این میان دولت-ملت‌هایی در صحنه بین‌الملل موفق و سربلند از آزمایش‌های تاریخ بیرون آمده‌اند، آن‌ها از طریق فرآوری قدرت ملی خویش در ابعاد مختلف جایگاه والایی را از موقعیت و قدرت خود در راستای افزایش وزن منطقه‌ای و بین‌المللی در نتیجه به گردش درآوردن عناصر فوق در مدارهای حوزه نفوذ خود با استفاده از ابزارهای گوناگون، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و امنیتی و علمی به دست آورده‌اند. در شرق ایران کشورهای افغانستان و پاکستان واقع شده‌اند که از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک سیاه ۹۴۵ کیلومتر با افغانستان و از کوه ملک سیاه تا دهانه خلیج گواتر ۹۷۸ کیلومتر با کشور پاکستان مرز مشترک دارد. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، نسبت به حوزه‌های ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا، ایران از یک موقعیت برتری برخوردار است. در این میان ایران در بین ۲۷ کشور غرب آسیا و ۳۷ کشور خاورمیانه و ۵۷ کشور جهان اسلام، نقش برجسته‌ای دارد و در مقایسه با این کشورها همیشه در پارامترهای قدرت هژمون یا نقش اول را داشته و یا نقش دوم و به شکل میانگین می‌توان نقش قدرت اول را در منطقه غرب آسیا به جمهوری اسلامی ایران داد. عموماً با تفکیک عوامل محسوس و نامحسوس قدرت کشورها تصویری واقعی از جایگاه آن‌ها در مناسبات جهانی ارائه شده است. ایران با داشتن منابع محسوس مانند موقعیت جغرافیایی، جمعیت، قدرت نظامی، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی و عوامل نامحسوس مانند وحدت ملی قدرت فرهنگی به اضافه رهبری ولایت فقیه و ایدئولوژی اسلامی، شیعی موجب گردید. به عنوان یک قدرت هژمون (قدرت مسلط برتر) منطقه‌ای مطرح شود. ایران برجسته‌ترین مثال از موفقیت یک کشور دولت-ملت در توضیح وضعیت فوق در طول تاریخ بوده است. ایران در دوران قبل و بعد از اسلام، بعد از حملات بنیان‌کن مغول‌ها و بعد از رنسانس و دوره صفویه، قاجاریه و حکومت پهلوی و در آخرین مورد آن ایران بعد از انقلاب از پتانسیل‌ها و زمینه‌های کسب قدرت ملی برخوردار بوده است. انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ م این زمینه‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل کرد. با به ثمر رسیدن این تحول بزرگ با اتکا به آرمان‌ها و ارزش‌های ملی و اسلامی، موقعیت ایران در

صحنه جهانی به طور کامل دگرگون گردیده و از نقش بازیگر پیرامونی به نقش قدرت برتر منطقه‌ای به یک مکتب فکری که اسلام و دین‌باوری است، ارتقاء یافت.

به دست آوردن این جایگاه در تمامی شئون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مؤثر و حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، جمعیت و مشروعیت شیعه در ایران و اقبال برخی کشورهای منطقه خاورمیانه تأثیر مثبتی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در مرزهای مشترک خود با همسایگان، به ویژه مرزهای شرقی (افغانستان و پاکستان) داشته است. در این پژوهش با ارائه دلایل و مستندات به دست آمده، قدرت هژمونیک جمهوری اسلامی ایران را در منطقه غرب آسیا مطرح و تأثیر آن را بر امنیت مرزهای مشترک شرق کشور، افغانستان و پاکستان، بررسی نموده و راهکارهای زیر را در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، سیاسی، امنیتی، انتظامی و زیست محیطی پیشنهاد می‌نمایم.

الف) فرهنگی و اجتماعی:

- ۱- خروج یکپارچه افغانه از ایران با استفاده از ابزارهای بین‌المللی.
- ۲- تقویت فرستنده‌های رادیویی، تلویزیونی و پخش برنامه‌های مناسب ویژه خارجیان در آن‌سوی مرزهای مشترک با کشورهای افغانستان و پاکستان.
- ۳- ایجاد و گسترش مکان‌های فرهنگی، ورزشی و تفریحی به منظور بالا بردن روحیه علمی و فرهنگی و جوانمردی فرزندان مرزنشینان در شرق کشور.
- ۴- اعتماد به مردم وفادار مرز نشین و به‌کارگیری آن‌ها در برقراری امنیت پایدار.

ب) اقتصادی و سیاسی:

- ۲- افزایش روابط دیپلماسی با همسایگان شرقی با تأکید بر اشتراکات فرهنگی.
- ۳- رونق کشاورزی اراضی نوار مرزی که مستعد کشاورزی هستند با هدف رونق اقتصادی مرزنشینان و جلوگیری از اشاعه مشاغل کاذب و مواد مخدر.
- ۴- خودداری از ایجاد جاده‌های مرزی در کنار خطوط مرز (حداقل ۲ کیلومتر از خطوط مرزی فاصله داشته باشند) تا در هنگام بحران‌های مرزی نیروهای خودی از آن‌ها به عنوان جاده‌های ارتباطی و تدارکاتی استفاده نمایند.
- ۵- تبادلات مرزی دو جانبه از طریق بازارچه‌های مرزی با مشارکت کشورهای افغانستان و پاکستان با هدف جلوگیری از اشاعه مشاغل کاذب.
- ۶- سرمایه‌گذاری مشترک در غالب پروتکل‌های استانی در دو سوی مرز با مالکین اراضی کشاورزی افغانستان و پاکستان به نحوی که سرمایه از طرف ایرانی زمین و از طرف آن‌ها آب باشد.
- ۷- احداث صنایع تبدیلی در منطقه با هدف تقویت بنیه مالی مردم مرز نشین.
- ۹- احداث گمرک در شهرهای مرزی، ارتقاء گمرک دو غارون به اداره کل گمرکات، ایجاد تجهیزات مکانیزه در عمران و آبادی ورودی مرزهای مشترک شرقی جمهوری اسلامی ایران در مبدأ گمرک و مبدأ شهر تایباد.

۱۰- ایجاد زمینه مشترک طرف‌های ایرانی، پاکستانی و افغانی در ابعاد مختلف و از جمله اقتصادی و کمک گرفتن از سازمان‌های بین‌المللی در انجام پروژه‌های اقتصادی.

۱۱- ایجاد مجتمع‌های کشاورزی، دام‌پروری با توجه به زمینه‌های موجود با هدف تأمین امنیت، رفاه و معاش مرز نشینان.

۱۲- احداث کارخانه‌های تولیدی مورد نیاز، متناسب با تولیدات منطقه در شهرهای مرزی با توجه به معادن شناسایی شده.

۱۳- قانونمند کردن ورود افراد و ترانزیت بار و ایجاد واحدهای گذرنامه، قرنطینه و استقرار سایر واحدهای مورد نیاز در گمرک‌های مرزی.

۱۴- اتخاذ سیاست استراتژی غذا در برابر امنیت نسبت به کشور افغانستان.

۱۷- تعامل سازنده ایران و پاکستان جهت ایجاد امنیت در افغانستان.

۱۸- کمک به بازسازی افغانستان با هدف تقویت اعتماد و تعامل متقابل

ج) امنیتی، انتظامی

۲- گفتگوهای مرزی و حل اختلافات جزئی با انتخاب استراتژی گفتگو و اولویت سیاست تنش‌زدایی و صلح‌جویی.

۴- ایجاد خاک‌ریز و کانال در اراضی پست و نصب سیم‌خاردار در مراکز صعب‌العبور.

۶- تجدیدنظر در مورد نیروهای مستقر مرزی از لحاظ کمی و کیفی و ضرورت بسط و گسترش مراکز آموزش ویژه مرزبانان.

۷- تقویت و فعال نمودن دفاتر اتباع بیگانه در اجرای کامل قوانین مربوط به اتباع خارجی.

۹- ایجاد کنسولگری در برخی از شهرهای مرزی واجد شرایط.

د) هیدروپلیتیک و مسائل زیست محیطی

۱- شناسایی هیرمند و هریرود به‌عنوان رودخانه بین‌المللی.

۴- دیپلماسی برد-برد به‌ویژه با محوریت امتیاز ترانزیت در چابهار و اقیانوس هند از گزینه‌های عملی مهم در خصوص منابع مشترک آبی است که از آن به‌عنوان معامله بزرگ با افغانستان است.

۵- استفاده از اهرم مهاجران یکی دیگر از ابزارهای موجود برای متقاعد کردن افغانستان در زمینه آب.

۷- فشار سیاسی به افغانستان و استفاده از مکانیسم‌های سیاست داخلی.

۸- بیابان‌زدایی و ضرورت برخورد با ریزگردها و پدیده خشک‌سالی.

۹- چاره‌اندیشی در مورد مسئله بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و بلوچستان.

۱۰- با توجه به باران‌های سیل‌آسا در بهار ۱۳۹۸ اعمال مدیریت بهینه در بهره‌برداری مناسب از ذخایر آبی به وجود آمده در تالاب هامون.

References

Mojtahedzadeh, Pirouz (1999), in the grief of the father of modern geography. Tehran: Economic Session Information, Eighth Year, No. 80-79

Mojtahedzadeh, Pirouz (2010), Border Policies and International Borders, Tehran: Post Office

- Mojtahedzadeh, Pirouz (2011), Strategic Geography of Iran, Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces
- Ebrahimi, Nabi Allah (2012), An Interaction with the Principles and Concepts of the Copenhagen School, Tehran: Journal of Foreign Policy, No. 26
- Ahmadi, Seyyed Abbas (2005), Iran's Position in Geopolitical Theories. Tehran: First Congress of Iranian Geopolitical Society.
- Azgandi, Alireza (2002), Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Qomes Publication
- Heydari, Mohammad (2011) Geopolitical boundaries and the pattern of management and control of eastern borders. Tehran: Geopolitical Quarterly. Eighth Year, Number Three
- Heydari, Mohammad, Alamdari, Sohrab, Fattahi, Farhadi (2011), Border Geopolitics and Eastern Border Management and Control Model, Tehran: Geopolitics Quarterly, Eighth Year, Third Issue, 2012
- Khalili, Mohsen (2011), Geoeconomic Requirements of Development of South East Iran, Tehran: Quarterly Journal of Foreign Relations, Third Year, No. 4
- Danesh Ashtiani, Mohammad Bagheri, Rostami, Ali (2016), Analysis of the Military Doctrine of Supreme Leader Command in National and International Environment, Tehran: Journal of Military Science and Technology Volume 12, Number 36
- Razani, Ehsani (2005), Consequences of US Military Presence in Iraq on National Security of the Islamic Republic of Iran, Tehran: NAJA Political Opinion Organization
- Rouh Al-Amini, Mahmoud (1986), Cultural Field, Tehran: Attar Publications
- Rouhani, Hassan (2010), National Security and Economic System of Iran, Tehran: Strategic Research Center
- Roshandel, Jalil (1995), National Security and the International System, Tehran: Noor Publishing
- Taremi, Kamran (2003), An Analysis of the Role of Ballistic Missiles in Iranian Defense Doctrine, Tehran: Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 59, Spring 2003
- Ezzati, Ezzatollah(1992), Geopolitics, Tehran: Post Publication
- Kazemi, Ali Asghar (1991), The Conflict Chain in Politics and International Relations, Tehran: Qomes Publishing
- Kiani, Davood (2007), National Interests of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Institute for Strategic Studies
- Mojtahedzadeh, Pirouz (2000), Political and Geopolitical Geography and Situations of Iran, Tehran: Ney Publication
- Mohseni, Manouchehr (1991), General Sociology, Tehran: Tahori Library
- Mirhidar, Dara (1958), Principles and Principles of Political Geography. Tehran: No. 135, Tehran University Press
- Mir Heidar, Dorreh (2002), Foundations of Political Geography, Tehran: Aram Publications
- Mir Heidar, Dorreh (2002), Introduction to Political Geography, Tehran: Geographical Organization of the Islamic Republic of Iran Armed Forces
- Mir Heidar, Dorreh (2010), Developments of Five Decades of Thought in Political Geography. Mashhad: Papelli Publications

Latin references

- Taylor, Peter J, (1989). political Geography, Second ed. London
- Dietrich, Fisher(1993), non military Aspect of security: A system Approach. UK, cup.

online references

- <https://www.mapsofworld.com>
- <https://www.pinterest.com>